



۲۰۱۸/۱۱/۰۳



داؤد موسی

خبر خوش از بانک جهانی

بانک جهانی که همه ساله در همین موسم راپوری را تحت عنوان (خلاصه امکانات تجارت در جهان) نشر می نماید، اخیراً امکانات سهولت در روند کار و بار تجاری را در چهار کتگوری ذیل در یکصد و پنجاه کشور دنیا به مقایسه گذاشته است. این چهار عبارت اند از:

- (۱) سهولت در گرفتن جواز تجارت.
- (۲) حمایت سرمایه گذاری اقلیتها.
- (۳) سهولت پروسه ترک تجارت.
- و (۴) گرفتن قرضه.

همین راپور در قدم دوم مشعر برین است که افغانستان که در گذشته مقام ۱۸۳ را در بین ۱۹۵ کشور جهان داشت، اکنون به مقام ۱۶۴ نزول (ارتقاء) نموده است.

مرتبیت روی هم رفته	مرتبیت قبلی	مرتبیت فعلی	افزایش
سهولت در اخذ جواز تجارت	۱۸۳	۱۶۷	۱۶ درجه
حمایت سرمایه گذاری اقلیتها	۱۰۷	۴۹	۵۸ درجه
سهولت در پروسه ترک تجارت	۱۸۹	۲۶	۱۶۳ درجه
گرفتن قرضه تجاری/صناعتی	۱۰۵	۹۹	۶ درجه

جای شکی نیست که این خبر در وهله اول موجب مسرت و افتخار هر افغان وطن پرست میگردد. اما اگر خواسته باشیم که به منظور دریافت حقایق هر کدام از این کتگوری ها را تحت ذره بین قوی تری مورد مذاقه قرار بدهیم، ببینیم چه خواهد شد:

اول سهولت در اخذ جواز تجارت.

جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست که از آغار حکومت مؤقت آقای کرزی تا امروز برای منتشبین در امور فراهم آوری مؤسسات خدماتی، صنعت و تجارت سهولت های بی سابقه ای به وجود آمده که امروز می توانیم جواز آنها را حتی در ظرف یکی دو روز هم بدست بیاوریم.

هم چنان درین اواخر قیمت چنین جواز ها از بیشتر از دوهزار افغانی به صرف یک صد افغانی تقلیل نموده است که هر یکی ازین دو به ذات خود از کمترین در جهان می باشد. اما اشکال بزرگ در تجدید جواز است زیرا باید قبل از صدور جواز جدید تمامی مسائل مربوط به مالیات سابقه حل و فصل گردد که این یکی به نوبه خود، یکی از مشکل ترین در جهان می باشد.

دوم حمایت سرمایه گذاری اقلیت ها:

درین جا اگر مراد از لفظ (اقلیت ها) هموطنان شیعه، ازبک، هندو، سکھ و غیره باشد، دو تبصره را ایجاب می نماید. اول اینکه در رژیم طالبان که پالیسی اقتصادی شان تا حدی روی اختلافات دینی و مذهبی استوار بود، اکثر هندو و سکھا مجبور به ترک وطن و هجرت به کشور هند گردیدند. آنها به اهل تشیع و حتی تاجکان نیز روی خوشی نشان نمی دادند. ثانیاً تا عهد صدارت سردار محمدهاشم خان نیز به هزاره ها و اهل تشیع اجازه استخدام در وزارت های حربیه و خارجه و اداره ضبط احوالت (امنیت وقت) داده نمی شد. پس هموطنان اهل تشیع ما به ناچار، رو بسوی فراگیری شغل طبابت نمودند. این پیش آمد باعث گردید که برای چند دهه زبده ترین داکتران کشور از میان اهل تشیع ما سر برآوردند. اما اقلاً خود من به یاد ندارم که در نیم قرن اخیر کسی با وطن داران گروه اقلیت های ما در مورد خواهشات تشبثی شان برخورد تعصب آمیزی نموده باشد. از مدت بیشتر از پانزده سالی که این نویسنده ارتباط مستقیم با اتاق تجارت بین المللی افغانستان داشته ام، گاهی نشنیدم که کسی ازینکه با او (یا قومش) کدام بی عدالتی ناشی از تعصب قومی، دینی، مذهبی یا منطقوی صورت گرفته، شکایت کرده باشد. پس این سؤال مطرح میگردد که این جهش پنجاه و هشت گروهی در حمایت حقوق تجارتي و صناعتی اقلیت های ما به مقایسه کدام زمان صورت گرفته است؟

سوم سهولت در پروسه ترک تجارت:

ترک تجارت در کشور ما نیز مشابه تصفیه حسابات پرداخت مالیات سنوات سابق با دولت می باشد. لهذا برای نیل به این مأمول تحمل همان قدر زحمت بکار است.

چهارم گرفتن قرضه تجارتي و/ یا صناعتی از بانکها:

در دنیای خارج اشخاص حقیقی یا حکمی می توانند به تضمین جایداد، شرکت، فابریکه، کشتی، طیاره و حتی اعتبار شخص خود از بانک ها و غیره منابع تمویل، قرضه بگیرند. اما در کشور ما از آنچه گفته آمد، به علت فقدان دیگران، تنها جایداد منحیث تضمین به منظور اخذ قرضه عرضه گردیده می تواند. چنانکه مبرهن است، درین جا یک تعداد معتنی به قباله های عقاری جعلی، یا به دلایل دیگر برای بانک ها غیر قابل اعتبار می باشند. مشکل عمده تر در متن

مواد قانون بانک داری – که نویسنده نیز "افتخار" دست اندرکاری در ترتیب آن را داشتیم – وجود دارد. در اکثریت قاطع ممالک پیش رفته دنیا وقتی یک شخص در پرداخت قسط قرضه اش پسمان می گردد، اگر بانک پس از طی چند مرحله ساده هنوز هم موفق به اخذ پول خود نگردد، با اسناد دست داشته خود به پولیس مراجعه نموده، و پولیس بدون فوت وقت جایداد تحت تأمین را در حیات بانک می گذارد. آنگاه بانک از طریق فروش جایداد تحت تضمین، حساب قیمت به دست آمده از فروش آن را با مبلغ ذمت قرضدار حل و فصل می نماید. اما در کشور ما – علی الرغم تمام پا فشاری هایی که من در آن زمان کردم - مرحله اخیری که در بالا گفتم، به این شکل باقی ماند که باید موضوع به محاکم احاله گردد. آنانی که در عمر خود تجربه دعوی در محاکم افغانستان را داشته اند، فهمیده میتوانند که بانکها چرا از دادن قرض یه مردم این قدر احتراز می کنند و چرا پیشرفت ما در عرصه فراهم آوری قرضه بانکی به متشبین صرف شش در صد بوده است.

این یک واقعیت غیر قابل انکار است که در سرتاسر دنیای پیشرفته تجارت و صنعت از یکسو، و امکان اخذ قرضه بانکی از سوی دیگر، دست بدست هم داده و مهمترین رکن ارتقاء اول الذکران را تشکیل می دهند. اما در کشور ما تا زمانی که دولت به منظور تکافوی بودجه خود نظر به جیب متشبین تازه کار – آن هم در کوتاه مدت دوخته باشد، باید چشمی از ارتقاء تجارت یا صنعت نداشته باشیم. عجب اینکه راپور بانک جهانی علی الرغم این واقعیت نشر شد که کمتر از یک دهه اخیر واردات سالانه ترانزیتی کشور ما از طریق پاکستان از هفتاد و پنج هزار کانتینر به کمتر از ده هزار تقلیل یافته است.

در اخیر باید گفت که اگر راپور مذکور علی الرغم این همه "مشکل انگاری" های من واقعاً درست باشد، مرا به یاد داستانی می اندازد که مردی در روزنامه خواند که شیرها صرف در سال یک بار جفت گیری می نمایند. با گرفتن این خبر، مرد با خود گفت "ای والله! شیر بودیم و نمی دانستیم". الله یاور.



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نوشته ها و مطالب دیگر این نویسنده را هم مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

خبر خوش از بانک جهانی

D_moosa_khabar_khosh_az_bank_jahaani.pdf